دو شیفت به‌صورت یک روز در میان برای گویندگی و تنظیم اخبار حضور داشتند. اما این شیفت‌ها با وخامت حال امام لغو شد و همه برای حضور در سر کار، اجبار شدند. در شرایط عادی یک گروه خبرنگار شب‌ها در صداوسیما حضور داشتند، در آن ایام سه گروه شدند و تا صبح می‌ماندند. این گروه‌ها مرتب با مصلی در ارتباط بودند و خبر و فیلم می‌گرفتند. تمام فعالیت‌ها در راستای خبر رحلت امام بود، عزاداری مردم و حضور مردم و مسئولان در مراسم‌ها، بحث نماز میت که قرار شد آقای گلپایگانی بخوانند. همه چیز حول محور امام بود و لازم نبود ما برنامه‌ریزی کنیم. همه خودجوش دنبال اخبار امام بودند و این که چیزی از اخبار مربوط به رحلت امام جا نماند. همه تیم‌ها در مصلی، مسیرها، خیابان‌ها و... مستقر بودند. حتی در هلی‌کوپتری که آقای موسوی اردبیلی رفت بهشت الزهرا، ما خبرنگار داشتیم. یک بار امام را از مصلی برگرداندند و بعد از غسل و کفن در جماران، با هلی‌کوپتر به جایی که برای خاکسپاری پیش‌بینی شده بود، بردند. هلی‌کوپتر به خاطر ازدیاد جمعیت نتوانسته بود بنشیند و مردم به قدری احساساتی شده بودند که حتی بخشی از کفن ایشان پاره شد.

تصاویرش است.

تمام این پوشش‌ها کامل بود. مستندهای خیلی قوی در رادیو و تلویزیون تولید شد که نشان می‌داد پیکر امام را به جماران برگرداندند و ایشان را دوباره کفن کردند.

در مسائل فقهی و دینی مثل موسیقی، حجاب، زمانی که آقای خامنه‌ای رهبر شدند، از ایشان سؤال کردم که ما طبق فتوای امام ادامه دهیم یا نه؟ گفتند که فتوای من هم همان فتوای امام است و هر تصمیمی که با فتوای امام راجع به موسیقی می‌گرفتید، من قبول دارم. راجع به حضور زن و پوشش افراد هم از آقای خامنه‌ای پرسیدیم که گفتند فتوایشان شبیه فتوای امام است

موضوع یا مشکل خاصی نبود که تبدیل به چالش شود؟

یکی از نکاتی که مطرح بود اینکه محل دفن امام مشخص نبود کجا می‌خواهد باشد. اول قرار بود در مصلای تهران باشد بعد گفتند اینجا وسط شهر است و شلوغ می‌شود، بنابراین بهشت زهرا در نظر گرفته شد. بعد از آن مکانی خارج از بهشت زهرا، جایی که الان حرم امام است، تعیین شد. به راحتی به این تصمیم نرسیدند. مکان‌های مختلفی مطرح بود و مقدر این شد که در این مکان و نزدیک ۷۲ تن در بهشت زهرا که قبرستان عمومی هم بود، دفن شوند. در مصلی کانکس‌های یخچالی آورده بودند برای نگهداری از پیکر امام در این چند روز. ما هم می‌رفتیم بالای این کانکس‌ها. پسرهای من، حسن و حسین، همیشه و بیشتر اوقات با من بودند. کمتر از دو سال داشتند. من می‌رفتم در مصلی روی یکی از کانکس‌ها می‌نشستم. دوقلوهایم هم روی پاهای من می‌نشستند.

مشکلی هم برای پوشش خبری وجود داشت؟ البته با این تفاسیر که شما می‌فرمایید همه آمده بودند.

نه، مشکل خاصی برای پوشش خبری نداشتیم. اخبار خیلی هم زیاد بود. فقط رادیو و تلویزیون ما و رسانه‌های داخلی نبودند. رسانه‌های خارجی هم خیلی زیاد بودند و فراتر از حضورشان، سران کشورهای دیگر مراسم را دنبال می‌کردند. خبر ارتحال امام فضای جهان را گرفته بود. محدود به ایران و حسینیه جماران نبود، دنیا را تکان داد.

مجله اکسپرس مطلبی نوشته بود و در آن به زمانی که امام در پاریس گفته بود به تهران می‌روم، اشاره کرده بود. لکس فرس، مجله دست راستی فرانسوی‌هاست که روی جلدش تصویری از امام چاپ کرده بود. عکس حضرت امام را به‌عنوان عکس هفته بزرگ در کیوسک‌های یک متر یا دو متر در چهارراه‌های پاریس و شهرهای دیگر گذاشته و نوشته بودند، مردی که جهان را تکان داد. در مقاله‌هایشان هم می‌گفتند که حضرت امام مسیر تاریخ را عوض کرد. در آن مقالات به دوقطبی بودن جهان اشاره می‌کردند و می‌گفتند که امام خمینی قطب سوم را اضافه کرد یا اینکه ایران جایگزین یکی از این قطب‌ها می‌شود.

در جریان ارتحال امام و تدفین ایشان، این مسأله که امام جهان را تغییر داد، بیشتر نمود داشت. واقعاً عزاداران از جاهای مختلف آمده بودند و منحصر به ایرانی‌ها و حتی مسلمانان نبود. آزادگان همه کشورها برای امام عزاداری می‌کردند، فضای واقعاً عجیبی بود.

در آن بازه زمانی ارتحال امام در پوشش خبری حواشی خاصی هم ایجاد شد؟

غیر از حضور غیرطبیعی مردم، اتفاق دیگری نبود. واقعاً حضور مردم فوق‌العاده زیاد بود که با استقبال از امام مقایسه می‌شود. غیر از مسأله ناتوانی در دفن امام در مرحله اول، یادم نمی‌آید موضوع دیگری هم باشد. از اطراف مصلی و نقاط مختلف تا بهشت زهرا و تا محل دفن امام، جمعیت فشرده و متصل بود، به طوری که به همین شکل متصل حرکت می‌کردند. جمعیت متراکمی هم از سمت قم آمده بود.

همزمان با مراسم ارتحال امام فرمودید که شبانه اعضای مجلس خبرگان به تهران آمدند تا جلسه فوق‌العاده برگزار کنند. اگر می‌شود از آن فضای مجلس خبرگان برای ما بگویید. در این زمان مراسم پوشش برنامه‌ها و جلسات خبرگان را هم داشتید؟ گروه‌های خبری شما چطور مستقر شده بودند و همزمان فضای خبرگان را پوشش می‌دادند؟

هر جای مهمی که یک اتفاق خاصی در حال رخ دادن بود، از صداوسیما دعوت می‌کردند. آن زمان تقریباً صداوسیما رسانه منحصربه‌فرد صوتی تصویری بود. رسانه‌های دیگری نبود مگر رسانه‌های خارجی. در فضای داخلی صداوسیما منحصربه فرد بود، انحصاری بود که البته مورد اعتماد مردم بود. امام هم به صداوسیما اعتماد داشتند. به همین دلیل هرجا قرار بود جلسه‌ای تشکیل شود، از صداوسیما دعوت می‌کردند و درخواست اعزام گروه داشتند.

صداوسیما از نظر صوتی و تصویری انحصاری بود. روزنامه‌ها مکتوب بودند. از نظر اعتبار هم این‌طور بود که خبرنگاران و تصویربرداران ما اگر برنامه می‌رفتند و مثلاً رئیس جمهور نیم ساعت تأخیر داشت، جلسه را ترک می‌کردند. حتی اگر مصاحبه با رئیس جمهور بود، بعد از نیم ساعت ما کنسل می‌کردیم و برمی‌گشتیم. آن زمان برای نخست‌وزیر ۲۰ دقیقه منتظر می‌ماندیم، نمایندگان مجلس ۱۵ دقیقه و برای وزیر ۵ دقیقه. اگر می‌گفتند وزیر نیست و کار دارد، ما برمی‌گشتیم. اعتبار صداوسیما اینقدر بالا بود که ۵ دقیقه معطلی برای وزرا داشتیم.

در آن بازه زمانی که انتخاب رهبری انجام گرفت، با توجه به اینکه رسانه ملی بحث ارتباط با مخاطبان را داشت، چه بازخوردهایی از مردم دریافت کردید؟

وقتی مراسم بیعت با رهبری گذاشتند، تقریباً همه گروه‌های مردمی، وقت می‌گرفتند و با رهبری تجدید بیعت می‌کردند.

با توجه به اینکه شما بعد از ارتحال امام و تغییر رهبری تا مدت‌ها رئیس رسانه ملی بودید، در آن زمان نظرات رهبری نسبت به عملکرد صداوسیما چه بود؟ در جلساتی که داشتید، نظر ایشان چطور بود؟

من ۱۳ سال صداوسیما بودم، ۸ سالش دوره امام بود و ۵ سال زمان آقای خامنه‌ای؛ مسائلی که با صداوسیما با مراجع یا با رهبر داشتیم، عمدتاً متمرکز درباره دو یا سه مسأله بود. موسیقی، حضور زنان در برنامه‌ها و نوع پوشش‌ها، دیگری هم بحث گزارش‌ها یا فضاهای سیاسی احزاب، جبهه‌ها یا تشکل‌ها بود یا هرچیزی که توقع داشتند در صداوسیما پوشش دهیم. مثلاً یکی از فعالان سیاسی با کسی مصاحبه می‌کرد یا دیداری داشت، دنبال این بود که صداوسیما خبر آن را پخش کند.

مثلاً دو نماینده مجلس با رهبری ملاقات کرده بودند، بعد ما خبر را پخش کردیم. یکی از آن نمایندگان به صداوسیما معترض شد که شما سیاسی برخورد کردید و آن نماینده دیگر را بیشتر از من نشان دادید. گفتم من که سر خبر نیستم، ببینم هر کدام چقدر بوده. گفتند که خیر شما از خط خودتان حمایت می‌کنید و از این طور حرف‌ها زدند. خلاصه این شد که کُرنومِتر بیاوریم و اندازه بگیریم که کدام از این دو تا بیشتر نشان داده شدند. کرنومتر آوردیم زدیم و دیدیم ۹ یا ۸ ثانیه این آقای معترض را کمتر نشان داده‌ایم.

در دوره رهبری آیت‌الله خامنه‌ای چطور؟

در مسائل فقهی و دینی مثل موسیقی، حجاب، زمانی که آقای خامنه‌ای رهبر شدند، از ایشان سؤال کردم که ما طبق فتوای امام ادامه دهیم یا نه؟ گفتند که فتوای من هم همان فتوای امام است و هر تصمیمی که با فتوای امام راجع به موسیقی می‌گرفتید، من قبول دارم. راجع به حضور زن و پوشش افراد هم از آقای خامنه‌ای پرسیدیم که گفتند فتوایشان شبیه فتوای امام است.

درباره تشکل‌ها و جبهه‌های سیاسی، رفته رفته تعدادشان زیاد شد. مثلاً انتخابات مجلس چهارم، صداوسیما یک جمله را گذاشت که خیلی تعیین‌کننده بود. اصلاح‌طلب‌ها یا خط چپ، ۳۰ نفر نامزد در تهران داشتند که هیچ کدامشان انتخاب نشدند. همه نامزدهای انتخاب شده از جبهه راست بودند. آنجا بود که آقای کروبی و همسرش که نفرات سی و سوم یا سی و چهارم بودند، با ما خیلی درافتادند که این انتخابات نتیجه کار صداوسیماست.

مسأله اصلی‌مان گفتم بحث فقهی و مذهبی بود. امام واقعاً خیلی راه را برای ما باز کرده بود. دو موضوع دیگر هم بود. یکی درباره پخش موسیقی بود که وقتی سرود شهادت آقای مطهری پخش شد، صداوسیما را از طرف انجمن اولیای آموزش و پرورش تحت فشار قرار داده بودند که این خلاف شرع است و نباید پخش کنید. این را به امام منتقل کردیم. امام گفتند که یک برنامه بگذارید و همین را اجرا کنند. در اولین دیدار امام به ارکستر صداوسیما رفت و نزد امام سرود «ای مجاهد شهید مطهر» اجرا شد و ما هم آن را از صداوسیما پخش کردیم.

برای همین موضوع من با احمدآقا صحبت کردم و قرار شد که این کار را انجام دهیم. بعد بحث مسأله ادوات موسیقی مطرح شد. امام قبلاً آلات موسیقی و خرید و فروش‌اش را حرام نمی‌دانستند. در زمان جمهوری اسلامی هم این آلات کاربرد دوگانه داشتند که هم می‌شود سرود ساخت و هم موسیقی حرام. فتوای امام تغییر کرده بود ولی آقای گلپایگانی همچنان نمایش ابزار موسیقی را حرام می‌دانند و امام هم برای آقای گلپایگانی خیلی احترام قائل بودند. مثلاً درباره اعلام روز عید فطر، هر وقت از امام سؤال می‌کردیم می‌گفتند از قم و آقای گلپایگانی بپرسید. اگر برای ایشان اثبات شده اعلام کنید کفایت می‌کند.

بنابراین احمدآقا با آقای گلپایگانی صحبت کرد تا خانواده شهید مطهری را دعوت کنیم در حسینیه و آنجا این سرود را بگذاریم. بدین صورت که صوتی پخش شود و ادوات را نشان ندهیم. در واقع ادوات را به حسینیه جماران بردیم، اما دیده نمی‌شدند.

نوازندگان در گوشه و کنار سکوی امام، ایستاده بودند. تصاویر آن پخش نشد ولی نفس همین اجرای سرود در حسینیه جماران، خوب بود. درباره حجاب یکی موضوع اوشین بود و یکی هم پاییز صحرا. در واقع تیتراژ پایانی سریال بود که خانمی زمین می‌خورد. امام گفتند که من این برنامه را می‌بینم و مشکلی ندارد. در آن موقع آقای فردوسی‌پور که دبیر شورا بود، نامه‌ای به امام نوشت که امت شهیدپرور از این برنامه‌ها ناراحت هستند و ما وقتی که به مدیر صداوسیما می‌گوییم، می‌گویند نظر امام است. می‌خواستند امام برنامه‌های صداوسیما را تحریم کند.

مرحوم محمدی گیلانی در یکی از سخنرانی‌های پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران، من را به اسم صدا کرد که آقای محمدهاشمی من تورا می‌شناسم، از کوچه زغالی. حرف‌شان هم این بود که بگویند من آدم مسلمانی بودم و این حرف‌هایی که می‌زنم براساس تحریرالوسیله امام، خلاف نظارت امام است.

روز بعد خدمت امام رفتم و پرسیدم که صحبت‌های آقای گیلانی را شنیده‌اید؟ گفتند بله. گفتم که ببینید ایشان عضو فقهای شورای نگهبان هستند و به استناد تحریرالوسیله شما، من را تکفیر می‌کند. اگر آن نظرات را قبول دارید، بفرمایید که من آخرت خود را با دنیای دیگران عوض نکنم. امام گفتند شما بنویس من نظر می‌دهم. احمدآقا به من گفتند که نامه را ملایم بنویسید. نامه‌ای عادی نوشتم و خدمت امام دادم. حضرت امام نامه من و نامه آقای فردوسی‌پور را کنار هم گذاشته بود و روی هر دو نامه با این مضمون نوشتند که برنامه‌های صداوسیما همه آموزنده است و بعد اسم برنامه‌ها را هم آورده بودند. به نمایش ورزش هم اعتراض داشتند. وزنه‌برداری یا کشتی کج را ایراد می‌گرفتند و می‌گفتند این برنامه طوری است که زن و بچه نباید ببینند. امام نوشتند یا شاید بعداً دفتر کپی کرده بود که «همه فیلم و سریال صداوسیما بلااشکال است و خلاف به طور نادر دیده می‌شود که باید دو نکته را تذکر دهم اول اینکه اجنبی گریم نکند، دوم اینکه بیننده از روی شهوت نظر نکند.» به ما هیچ نکته‌ای نداشتند.

رفتیم خدمت حضرت امام گفتیم آقا اینکه می‌فرمایید اجنبی گریم نکند، متوجه نشدم یعنی چه؟ فرمودند من این‌هایی که جلوی برنامه می‌نویسند، دقت کرده‌ام بعضی وقت‌ها بازیگر زن دارید ولی گریمور زن ندارید یا بازیگر مرد دارید، ولی گریمور بازیگر مرد ندارید. اگر اجنبی گریم می‌کند، این خلاف شرع است و تذکر دادند.

از اطراف مصلی و نقاط مختلف تا بهشت زهرا و تا محل دفن امام، جمعیت فشرده و متصل بود، به طوری که به همین شکل متصل حرکت می‌کردند. جمعیت متراکمی هم از سمت قم آمده بود